

چالش‌های مشترک فرهنگی مذهبی فراروی گفتمان بیداری اسلامی

* محمدرضا دهشیری

** حمزه نجاتی آرانی

چکیده

آسیب‌شناسی درونی مستمر بیداری اسلامی همراه با واقع‌گرایی و اعتدال موجب خواهد شد تا نقاط ضعف این حرکت مورد ارزیابی قرار گرفته و تلنگری خواهد بود برای کسانی که مسئولیت خطیری در این عرصه به عهده دارند. حرکت بیداری اسلامی در سیر تطور خود با چالش‌های متنوع و مشترکی روبه‌رو بوده است که حرکت بیداری اسلامی در اکثر جوامع اسلامی با آن دست و پنجه نرم می‌کند. ضرورت توجه و برطرف‌سازی این چالش‌ها برای ثمردهی حرکت بیداری اسلامی لازم به نظر می‌رسد. در این تحقیق ما این چالش‌ها را در دو عرصه فرهنگ و مذهب مورد بررسی قرار می‌دهیم. در عرصه فرهنگی با چالش‌های دارای منشأ درونی و بیرونی و در عرصه مذهب با چالش‌های بنیادین و غیربنیادین مواجه هستیم.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، جنبش‌های اسلامی، جهان اسلام، فرهنگ اسلامی

dehshiri@icro.ir

nejatiarani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۵

*. استادیار سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

** کارشناس ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۲۵

مقدمه

بیداری اسلامی رخدادی بود که با آغاز قرن بیستم در جهان اسلام طلوع کرد و توانست با همه گفتمان‌های موجود حاکم بر جوامع اسلامی، به‌ویژه در خاورمیانه، به‌یکباره مبارزه کند. اعتقاد به ضرورت رجوع به مبانی دینی و تفسیر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر پایه قابلیت‌های عظیم دین اسلام در کنار جرئت اقدام به‌موقع برای تحقق این اهداف، جنبه ایجابی و مقابله با هرگونه استعمار و سلطه‌طلبی جنبه سلبی این حرکت را تشکیل می‌داد.

این جریان مانند هر فرایند فکری دیگر متأثر از عوامل درونی و بیرونی، سیر تطور ویژه خود را در جوامع اسلامی طی کرد و به بلوغ رسید. بیداری اسلامی در سیر تکاملی خود به‌صورت‌های متفاوتی خود را نشان داده است: در مرحله‌ای اصلاح و رشد اعتقادی مردم مسلمان مد نظر این جریان بوده است و در مرحله‌ای دیگر، به‌دست‌آوردن قدرت سیاسی و اصلاح ساختارهای اجتماعی به شیوه انقلابی؛ در مرحله‌ای در قالب دفاع از کیان اسلامی در مقابل اشغال و در برهه‌ای با تغییرات مسالمت‌آمیز در نظام سیاسی حکومت‌های موجود کشورهای اسلامی پیش رفته است.

در یک سال اخیر، تجلی این حرکت مبارک در قالب گفتمان تجدید عزت و کرامت در پرتو اعتقاد و باور عمیق به اسلام و ایستادگی در برابر نفوذ چپه استکبار و تداوم مبارزه با رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی است. رخداد اخیر با مردمی‌بودن خود - که مهم‌ترین امتیاز آن است - آینده‌ای امیدبخش را برای دنیای اسلامی رقم زده است.

گفتمان بیداری اسلامی هرچند با تاکتیک‌های متفاوت اما با استراتژی واحد توانست زمینه حرکت نهضت‌های اسلامی را فراهم کند. این نهضت‌ها توانستند اثرات چشمگیری را هم در داخل کشورهای خود، هم در عرصه جهان اسلام و هم در محیط بین‌الملل برجای گذارند. عاملی که توانست در این بین به این جریان رونق بیشتر و جهت صحیح‌تری بدهد، پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه‌السلام در سال ۱۳۵۷ بود.

انقلاب اسلامی با بازآفرینی ارزش‌ها و آگاهی‌های دینی در جامعه اسلامی، ایجاد اعتمادبه‌نفس، تقویت روحیه ضداستکباری، فراهم‌سازی زمینه‌های وحدت اسلامی و با القای

روحیه اقدام و در کنار آن، حمایت همه‌جانبه از نهضت‌های اسلامی توانست این جریان را هدایت کند و آن را هدفمندتر و پرقدتر از گذشته برای هدف نهایی که همان تعالی مادی و معنوی مسلمانان است، به پیش برد. اما دشمنان اسلام که با این بیداری، منافع خود را در خطر می‌دیدند تلاش کردند تا به هر شکل ممکن مانع گسترش این حرکت شوند. آنها برای مقابله با این جریان از انواع راهکارها و عوامل مادی و معنوی خود استفاده کردند تا بتوانند این حرکت را دچار چالش کنند و یا دست کم از اثرات آن بکاهند.

حرکت بیداری اسلامی در مسیر دستیابی به اهداف خود با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌روست که برخی از این چالش‌ها ناشی از نقاط ضعف جامعه اسلامی، بعضی برگرفته از ضعف‌های ماهیتی و ساختاری نهضت‌های بیداری اسلامی و برخی هم متأثر از عوامل خارجی است. از آنجا که این موانع و چالش‌ها بنیادین و اساسی هستند، توجه و برطرف‌سازی آنها، به‌ویژه در مقطع حساس کنونی فراروی جهان اسلام که بسیاری از کشورهای اسلامی عربی را امواج خروشان این گفتمان عزت‌خواهانه فراگرفته است، ضروری می‌باشد. در این تحقیق، این چالش‌ها در دو عرصه فرهنگ و مذهب بررسی می‌شود.

چالش‌های فرهنگی فراروی حرکت بیداری اسلامی

فرهنگ چارچوبی از اعتقادات، ارزش‌ها و نمونه‌های رفتاری است که در ایجاد آنها بیشتر افراد جامعه نقش دارند و طبق آن رفتار می‌کنند. (مبلغی، ۱۳۸۷: ۳) از آنجا که فرهنگ در جهت‌دهی تلاش‌های افراد نقش اثرگذاری دارد، بررسی چالش‌ها و موانع فرهنگی جامعه در برخورد با یک پدیده فرهنگی - اجتماعی، لازم است. بیداری اسلامی همواره فرایندی اثرگذار بر جوامع اسلامی است، اما با توجه به وجود چالش‌های فرهنگی در بیشتر جوامع اسلامی، توفیق چندان ناداشته است. این چالش‌های فرهنگی را که در بیشتر جوامع اسلامی عمومیت دارند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

یک. چالش‌های فرهنگی دارای منشأ درونی

این قبیل چالش‌ها، برگرفته از فرهنگ داخلی جوامع اسلامی هستند و برنامه‌ریزی و تلاش

برای رفع آنها، به پیشرفت فرایند بیداری اسلامی، همچنین به توسعه اخلاقی و اجتماعی این جوامع می‌انجامد. این چالش‌ها عبارتند از:

۱. قوم‌مداری

در جامعه‌شناسی، بحث قوم‌مداری^۱ به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی است که هر قومی خود را محور و اصل می‌داند و جز خود را به‌آسانی باور نمی‌کند. قوم‌مداری واقعیتی است که به جزم‌گرایی و مطلق‌انگاری دعوت می‌کند و به نبود تفاهم و باورنداشتن یکدیگر کمک می‌کند. (پژوهنده، ۱۳۸۶: ۱۱۸) این مسئله موجب می‌شود تا برخی عناصر خیزش و حرکت اسلامی نیز بیشتر به حرکت محلی یا منطقه‌ای گرایش پیدا کنند و به جنبه‌های عمومی و حق‌کشی‌ها و تجاوزاتی که در جاهای دیگر علیه مسلمانان می‌شود توجه نکنند؛ ویژگی‌های جغرافیایی و قومی معینی را در نظر گیرند و خود را وقف همان محدوده کنند و به بهانه «الاقربون اولی بالمعروف» و «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» تنها توجهی گذرا به مسائل فراتر از جغرافیای خود کنند و فراموش کنند که پس از گسست از امت، دشمن به‌خوبی از عهده آنها برخواهد آمد. (تسخیری، ۱۳۸۴: ۳۶۴)

۲. غرور و خودخواهی

غرور و خودخواهی عامل نفوذ شیطان به درون انسان است و سبب می‌شود تا کارهای وی برایش آراسته و کار دیگران در نگاه او ناچیز باشد. در نتیجه به نوعی خودپسندی می‌رسد، تا جایی که دیگر هیچ نصیحتی را از دیگران نمی‌پذیرد و با توجیه عملکرد خود، از نفس خود مواظبت نمی‌کند. نخوت و غرور از خطرناک‌ترین بیماری‌های اخلاقی فراروی دعوت‌گران اسلامی به‌شمار می‌آیند. تشکل اسلامی که از رویارویی با اشتباهات خود و اصلاح آنها سرباز می‌زند، با خطر رکود و انزوا از امت اسلامی و رضایت‌دادن به آنچه که در اختیار دارد، روبه‌روست. در نتیجه، از نوآوری و توسعه بازمی‌ماند و در پی آن، اعضایش هر روز کمتر و دشمنان بر آن چیره می‌شوند. (القحطان، ۱۳۸۷: ۲۷۸)

غرور و خودخواهی ناشی از پیروزی‌های مقطعی نیز از دیگر انواع این مقوله است که

1. Ethnocentrism.

ممکن است امت اسلامی با جنبش‌های اخیر، به آن دچار شوند. مغرور شدن برای پیروزی‌های کوچک و غفلت از حربه‌های دشمن و به‌طور کلی، دست‌کم‌گرفتن دشمن، از چالش‌های اساسی فراروی حرکت‌های بیداری اسلامی است.

۳. نشناختن موقعیت

نداشتن آگاهی و درک جمعی از موقعیت از جمله آسیب‌های احتمالی است که متوجه جهان اسلام و حرکت بیداری اسلامی است و به خودبینی و نبود تفاهم میان گروه‌ها و ملت‌ها و مذاهب آن می‌انجامد. منظور از تفاهم، هم‌رأیی مطلق نیست، به‌گونه‌ای که همه یک نظر و یک دیدگاه و در نتیجه، یک برداشت از دین داشته باشند، بلکه منظور چیزی است که به اتحاد اقوام و گروه‌های اسلامی می‌انجامد و به‌معنای داشتن قوه درکی است که اعضا بتوانند اختلاف‌های موجود در دیگران را باور و تحمل کنند. (پژوهنده، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

۴. هیجان‌محوری و بی‌برنامگی

یکی دیگر از چالش‌ها، نداشتن برنامه‌ریزی و عدم بررسی مسائل و حوادث و موضع‌گیری‌ها و برخورد عاطفی - نه برخورد معتدل و برنامه‌ریزی شده - با آنهاست؛ زیرا اقدامات ارتجالی و هیجانی در هدر دادن تلاش‌ها، نیروها و فرصت‌ها و نیز تضییع عمر و مال و نابودی امت اسلامی تأثیر بسزایی دارند و ریشه همه این آفات، موضع‌گیری‌های خام و خودسرانه است. ارتجالی بودن، آفت بزرگی است که ریشه آن جهل، عقب‌ماندگی، عدم تعقل و نبود حکمت و دوراندیشی در امور می‌باشد. (ترکمانی، ۱۳۸۷: ۱۱) از آنجا که دگرگونی نیازمند برنامه‌ریزی فکری و مراحل معینی است، نباید بیش از اندازه خوش‌بین بود و این مرحله را نادیده گرفت. البته از سوی دیگر نیز باید به این نکته توجه کنیم که این مرحله سبب افول و مانع حرکت‌های بیداری نشود؛ زیرا برخی از حرکت‌ها به بهانه اینکه در مرحله فکری قرار دارند، فرصت اقدام عملی فراهم‌آمده را از دست داده‌اند. بنابراین، مکتوب‌سازی اصول این حرکت‌ها و تنقیح و تطبیق آن با اصول اسلامی و ضرورت بازخوانی دائمی این اصول امری مسلم است.

۵. ضعف روحیه اقدام

یکی از چالش‌های اساسی فرهنگی پیش روی حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام این است

که حرکت آنها به اقدام و عمل منجر نمی‌شود. امام خمینی علیه السلام در بیانی به‌زیبایی به این مسئله اشاره می‌کنند:

مسلمین در این بُعد از صدر اول، مرد حرف بودند نه عمل. خیلی خوب شعر می‌گفتند. خیلی خوب خطابه می‌خواندند. وقتی هم مشکلات مطرح می‌شد، خیلی هم خوب طرح می‌کردند؛ اما از حدود گفتار خارج نمی‌شد و به عمل نمی‌رسید. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۰)

گروهی که برای تعمیق و تعمیم خیزش اسلامی و تداوم پویایی آن فعالیت می‌کنند، هرگز از این مسئله غفلت نوزند و باید تقویت روحیه اقدام را سرلوحه کار فرهنگی خود قرار دهند.

۶. ضعف رسانه‌ای

امروزه جهان شاهد انقلاب اطلاعات است که تأثیر و نتایج آن هر روز افزایش می‌یابد. فن‌آوری اینترنت و گسترش رسانه‌های صوتی و تصویری، طوفانی از اطلاعات را در جهان به‌پا کرده‌اند. با نگاهی گذرا به سایت‌ها و رسانه‌های جهان اسلام، این احساس قوی در ما ایجاد می‌شود که بسیاری از آنها آنچنان بر وفق مراد نیستند؛ زیرا این رسانه‌ها فرهنگ‌درگیری و کشمکش داخلی را نهادینه کرده و گاهی علاقه به توهین و بدنام کردن دارند و دیدگاه‌های فردی خود را بر مسلمانان تحمیل می‌کنند و تلاش دارند مسلمانان را به اعتبار اینکه، فقط این دیدگاه‌ها حقیقت بوده و به‌جز آنها اشتباه، انحراف، بدعت و گمراهی است به این دیدگاه ملزم کنند. (باجو، ۱۳۸۴: ۴۴۳) البته تذکر این نکته ضروری است که حجم عمده‌ای از بیدارگران اصیل و حرکت‌های اسلامی هنوز از پتانسیل رسانه‌ای غفلت کرده‌اند و نگاه راهبردی به این موضوع ندارند. استفاده حرکت‌های اخیر بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا از ظرفیت فضای مجازی و رسانه‌ای نشان داد با استفاده صحیح و هوشمندانه، این ابزار به‌خوبی می‌توانند آگاهی‌بخش، جریان‌ساز، مؤثر و حرکت‌آفرین باشند.

۷. کاهش چشمگیر میانگین مطالعه و کتاب‌خوانی

یکی از چالش‌های پیش‌روی حرکت‌های بیداری اسلامی، ضعف بیش و درک عمومی آحاد جامعه است. یکی از عوامل اثرگذار بر این ضعف، کاهش میانگین مطالعه و کتاب‌خوانی در

بسیاری از جوامع اسلامی است که در این باره نه تنها خانواده‌ها بلکه مدارس و محیط‌های اجتماعی نیز نقش دارند. دوری از کتاب‌خوانی پدیده‌ای منفی است که توسعه فرهنگی را به تأخیر می‌اندازد. (محمدسلیمان، ۱۳۸۴: ۳۵۱)

۸. ضعف نخبگان فرهنگی

متأسفانه امروزه فرهنگ و تمدن جهانی سریع‌تر از نخبگان جهان اسلام پیش می‌رود و جهتش را انتخاب می‌کند. نخبگان فرهنگی جهان اسلام از قافله‌توجه به اسلام و بیداری اسلامی که در حال پیشروی است، عقب افتاده‌اند و روشنفکران مسلمان به‌جای پیشگامی در این سیر و هدایت آن، دنبال‌کننده این جریان هستند. (هادوی، ۱۳۸۵: ۷۷) یکی از دلایل این جاماندگی، دوگانگی شخصیتی نخبگان است. یعنی باوری متشرع و اندیشه‌ای غیردینی در یک شخصیت جمع شده و هر اظهارنظر و اثرپذیری از این دوگانگی شخصیتی سبب سردرگمی عامه مخاطبان می‌شود. در دستگاه تحلیلی که نظام آموزشی رایج در ذهن نخبه مسلمان تعبیر کرده است، ورودی هرچه باشد خروجی و محصولات تحلیلی از چند ویژگی برخوردار است: ۱. حرکت و اقدام؛ ۲. باید و نباید؛ ۳. امیدواری؛ ۴. وضوح، روشنی و شفافیت.

نظام آموزشی کنونی به نخبگان جهان اسلام یاد داده است که در بررسی هر مسئله تنها باید به «هست و نیست‌های» موجود پرداخت و از تجویز «باید و نبایدها» به‌شدت پرهیز کرد. آیا مخاطبان ده‌ها رسانه خبری در جهان اسلام چیزی جز این از تحلیل‌گران خویش دیده‌اند؟ چه کسی باید برای آنها «بایدها» و «نبایدها» و جهت حرکت و اقدام را روشن کند؟ در طول تاریخ اسلام، امت همواره چوب دنیاطلبی خواص خویش را خورده است، اما این امت در دوران معاصر شاهد تجربه تلخ تازه‌ای نیز بوده است که نه فقط از دنیاطلبی، که از بدفهمی نخبگان خود ضربه می‌خورد. (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۸۷)

دو. چالش‌های فرهنگی دارای منشأ بیرونی

حرکت‌های بیداری اسلامی در جهان اسلام علاوه بر چالش‌های فرهنگی دارای منشأ درونی - که به‌صورت کوتاه به آنها اشاره شد - با چالش‌های دیگری نیز دست و پنجه نرم می‌کنند که دارای منشأ بیرونی هستند. از آنجا که بیداری اسلامی با رشد خود، منافع دنیای غرب با

ماهیت مادی آن را به چالش کشیده است، غرب نیز همواره درصدد آن است تا مانع فراگیرشدن این جریان در جهان اسلام شود. از این رو، غرب در سیر سنگ‌اندازی فرهنگی خود بیداری اسلامی را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است که عبارتند از:

۱. تضعیف فرهنگ اصیل اسلامی

قدرت‌های بزرگ از راه تسلط بر شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی می‌کوشند آداب و عادات خود را رواج دهنده و فرهنگ‌های دیگر ملل و از جمله ملل اسلامی را ضعیف کنند. روشن است که وقتی روح اسلام و فرهنگ مسلمانی با رواج فرهنگ غربی از جامعه اسلامی رخت برنبد، روحیه آرمان‌خواهی و تفکر بیداری اسلامی هرگز در کشورهای اسلامی و بین مسلمانان بارور نخواهد شد. با تهاجم فرهنگی غرب، هویت فرهنگی مسلمانان به خطر می‌افتد؛ زیرا رسوخ فرهنگ منحط غرب در کالبد فرهنگی جوامع مسلمان سبب کج‌فهمی و دورافتادن از حقیقت اسلام، ترک احکام اسلامی و تعطیلی حدود می‌شود. (عربی، ۱۳۸۷: ۵)

۲. تلقین روحیه خودکم‌بینی

دنیای غرب با سلطه فرهنگی‌اش جهان اسلام را به سرخوردگی و خودکم‌بینی دچار می‌کند. بدین ترتیب، نوعی بردگی روانی بر جهان اسلام تحمیل می‌کند که بیش از بردگی فیزیکی انسان‌ها را از انسانیت خالی و تهی می‌نماید. نتیجه‌القای این تفکر، ایجاد تفکر سکولاریستی و لائیک میان نخبگان و اندیشمندان مسلمان است که در دانشگاه‌های غربی پرورش یافته‌اند و تلاش می‌کنند این مدل را برای جوامع اسلامی تجویز نمایند.

۳. تفرقه‌افکنی

غرب با استفاده از ابزارهای تبلیغی و عوامل نفوذی خود دست به عملیات روانی و تفرقه‌افکنانه بین مسلمانان می‌زند. از این رو مفاهیمی همچون ناسیونالیسم عربی، پان‌عربیسم و... را رواج می‌دهد. آنها می‌کوشند بر هویت اسلامی مسلمانان اثرگذار بوده و هویت‌ها و شناسه‌های محدودتر منطقه‌ای، قومی، فرقه‌ای و نژادی را به آنها القا کنند. این حربه سبب کاهش قدرت جهان اسلام و آسیب‌پذیری آن می‌گردد و حرکتهای بیداری اسلامی به‌جای مبارزه با غرب با مسائل داخلی درگیر می‌شوند.

۴. انحراف در جریان بیداری اسلامی

یکی از توطئه‌های غرب، انحراف در جریان بیداری مسلمانان و گمراه کردن آن با مؤلفه‌های سیاسی - فرهنگی غرب است. آنان امروزه با همه قدرت رسانه‌ای خود می‌کوشند با تقابل فلسفه سیاسی اسلام و دموکراسی و حقوق بشر غربی و ترادف جهاد و شهادت با تروریسم و اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی، بینش ساختگی دیگری را - که به تعبیر امام راحل علیه السلام اسلام آمریکایی است - جای‌گزین نمایند. امروزه جبهه استکبار پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و القای خشونت‌طلبی مسلمانان، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست‌یازیده است تا عملیات تروریسم ضد مردمی را به‌جای شهادت‌طلبی، تعصب و تحجر و خشونت را به‌جای اسلام‌گرایی و جهاد، قومیت و قبیله‌گرایی را به‌جای امت‌گرایی، غرب‌زدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی را به‌جای پیشرفت مستقل، سکولاریزم را به‌جای علم‌گرایی، سازشکاری را به‌جای عقلانیت، فساد و هرج‌ومرج اخلاقی را به‌جای آزادی، دیکتاتوری را به‌جای نظم و امنیت، مصرف‌زدگی را به نام توسعه و ترقی، و فقر و عقب‌ماندگی را به نام معنویت و زهد قلمداد کند.

چالش‌های مذهبی فراروی حرکت بیداری اسلامی

از آنجا که مهم‌ترین دغدغه بیدارگران اسلامی اجرا و تبلور احکام اصیل اسلامی در فرآیند زندگی اجتماعی است، از این‌رو، شناخت و درک صحیح از اسلام و معرفت به مبانی آن از اصول بنیادین حرکت‌های بیداری اسلامی است. اما پرسش اینجاست که با توجه به وجود فرقه‌های اسلامی مختلف کدام‌یک از این تلقی‌ها از اسلام، همان اسلام اصیل و ناب است. باید توجه داشت که این تفاوت عقیدتی منشأ بسیاری از اختلافات و چالش‌های موجود در جهان اسلام است. این نکته مهم است که چالش‌های مذهبی امروز نه تنها سیر حرکت بیداری اسلامی را کند می‌کنند، بلکه موجب می‌شوند پتانسیل عظیم موجود به‌جای استفاده برای تعالی معنوی و مادی جهان اسلام صرف خودزنی و تحلیل و نابودسازی دیگر بدنه‌های فعال امت اسلام شود. چالش‌های مذهبی فراروی جریان بیداری اسلامی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

یک. چالش‌های مذهبی بنیادین

این چالش‌ها عبارتند از چالش‌های موجود در نظام عقیدتی برخی فرقه‌های اسلامی که برطرف‌سازی آنها نیازمند کوششی پیگیر است و به‌سادگی نمی‌توان بر آنها چیره شد. این چالش‌ها به این شرح است:

۱. ضعف توکل و اعتماد به وعده‌های الهی

بی‌شک، توکل به خداوند متعال و اعتماد و حسن‌ظن به وعده‌های نصرت الهی در قرآن، قوی‌ترین سلاح مؤمنان برای غلبه بر مشکلات و چالش‌های زندگی مادی است. این گنجینه قدرت زندگی در اثر غفلت و دنیازدگی مسلمین و خضوع و وادادگی در مقابل قدرت‌های مادی، فراموش و یا به مسائل فردی زندگی محدود شده است. حال آنکه مؤمنان باید بدانند که خدای عرصه جهاد و سیاست همان خدای عرصه عبادت و بندگی است؛ بنابراین با اعتماد به ذات اقدس الهی و کمک‌خواستن و طلب یاری از او همه مشکلات در مسیر رسیدن به اهداف از بین خواهد رفت.

۲. مسدودبودن باب اجتهاد در مکتب اهل سنت

در مکتب اهل سنت و جماعت، باب اجتهاد بعد از امامان چهارگانه اهل سنت کاملاً مسدود شده و پیروان اهل سنت را به حال خود واگذاشته‌اند. در نتیجه، اهل سنت در مورد مسائل مستحدثه سرگردان هستند. از سوی دیگر، این مسئله موجب می‌شود رابطه بین مردم و علمای اسلام و نیاز به رجوع به آنها از بین برود. چه بسیار حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام مشاهده می‌شود که در ابتدا با خلوص نیت شروع، اما بر اثر جهل سران آنها و عدم ارتباط با علما منحرف شده‌اند.

۳. قشری‌گری و سطحی‌نگری در فهم شریعت

بی‌شک، جزم‌اندیشی و برخورد قشری با متون اسلامی به راه‌حل‌های ناقصی می‌انجامد که هیچ همسویی با منطق ندارد و مردم را از تصور وجود راه‌حل‌های برتر برای مشکلات پیچیده زندگی خود به هنگام اجرای اسلام دور می‌سازد؛ حتی سبب تمسخر می‌شود و به دشمن اجازه می‌دهد اتهامات ستم‌گرانه‌ای همچون عقب‌ماندگی و ارتجاع و جمود و تحجر و

جزمی‌گری را به اسلام وارد کند. (تسخیری، ۱۳۸۴: ۳۵۸) از نشانه‌های سطحی‌نگری این است که اموری که در اولویت فعالیت اصلاح اجتماعی و فکری قرار دارند، مشخص نشوند و به امور بی‌اهمیت و حاشیه‌ای بپردازیم که فرصت‌های زیادی را در راه رسیدن به اهداف و حاکم کردن اسلام از ما می‌گیرند. (القحطان، ۱۳۸۴: ۳۸۲)

باید توجه داشت که سطحی‌نگری در فهم شریعت، به یکی از دو موضوع برگشت دارد: یا آنان از عمق تعالیم دینی بی‌اطلاع هستند - که عموماً خشک‌اندیشان از این دسته‌اند - و یا سر در آخور نفسانیات خویش دارند و با سردادن شعارهای پرطمطراق دینی به فریب مردم مشغولند. ضعف بینش صحیح دینی هر دو دسته، ناخودآگاه سبب عمل و عکس‌العمل‌هایی در جامعه می‌شود. به‌طور غالب تظاهرات رفتاری دسته دوم بازتاب ناخودآگاه رفتار دسته اول است؛ به‌خصوص شدت عمل و اعمال خشونت‌بار دسته دوم که پیامد نامیمون آن، ترور و ایجاد ناامنی و تکفیر مسلمانان است که هر دوی آنها به اضمحلال تدریجی شوکت اسلام و متلاشی‌شدن جامعه از درون منتهی می‌شوند. (پژوهنده: ۱۳۸۶: ۱۲۴)

۴. تأکید بر اجرای شریعت در بخش‌هایی از زندگی

تأکید بر اجرای شریعت در بخش‌هایی از زندگی و فراموش کردن بخش‌های دیگر با برداشت از اسلام به‌مثابه پروژه‌ای جامع و همه‌جانبه کاملاً مخالف است. برای مثال درخصوص این چالش می‌توان به روند اجرای احکام شرع با تکیه بر نظام مجازات و فراموش کردن زندگی و واقعیت‌های اقتصادی، تربیتی و آزادی‌های اجتماعی و ایده تحقق عدالت اجتماعی اشاره کرد.

۵. دوری از اخلاق اسلامی

دوری مسلمانان از اخلاق اسلامی و بی‌توجهی به احکام الهی و غفلت از ارزش‌های اخلاقی اسلام، جامعه اسلامی را از درون می‌پوساند و سرگرم‌شدن به امور بی‌حاصل و تخریب‌کننده که قرآن آنها را لَهو و لعب می‌نامد، عزم و اراده مسلمانان را سست می‌کنند. (زارع تیموری، ۱۳۷۹: ۵۶۴)

۶. فرقه‌گرایی

فرقه‌گرایی آفت خطرناکی است و امت اسلام از آن رنج بسیار کشیده و بر اثر آن خون‌های زیادی

جاری شده است. اسلام به اقتضای واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری و برنامه‌ریزی‌های خود برای حفظ جاودانگی احکام و راهبری زندگی، اجازه اجتهاد داده است. اجتهادها نیز در پی پیچیدگی زندگی، گوناگونی فراوانی یافته و در نتیجه مذاهب چندی به وجود آمده‌اند. ولی پس از آن، این مذاهب به فرقه‌هایی تبدیل گردیدند و هواهای نفسانی و مصالح و منافع حاکمان ناشایست، باعث درگیری‌هایی میان آنها شد و کام شیرین امت از اجتهاد آزاد تلخ گردید؛ بدان حد که برخی را به بستن باب اجتهاد سوق داد. می‌دانیم که خیزش اسلامی در اصل خاستگاه فرقه‌ای ندارد و در مسیری اسلامی حرکت خود را آغاز کرده و ثمرات گران‌باری هم داشته است، ولی به نظر می‌رسد گرایش‌های فرقه‌ای در برخی عرصه‌های خیزش اسلامی به چشم می‌خورد که تهدیدی برای آن است و می‌تواند آن را از مسیر درست و مطلوب منحرف کند. (تسخیری، ۱۳۸۴: ۳۶۳)

دو. چالش‌های مذهبی غیربنیادین

این دسته به نوعی متأثر از چالش‌های مذهبی بنیادین می‌باشند. اطلاق لغت غیربنیادین به معنای بی‌اهمیتی آنها نیست، بلکه بدین معناست که در درجه دوم اهمیت در برابر چالش‌های مذهبی بنیادین قرار دارند. این چالش‌ها عبارتند از:

۱. ناآگاهی از عقاید دیگر مذاهب اسلامی

یکی از دلایلی که مانع انسجام جریان بیداری اسلامی می‌شود، جهل و ناآگاهی مسلمانان از عقاید حقیقی و مستند پیروان دیگر مذاهب و از سوی دیگر، نداشتن روحیه پذیرش حقیقت و تسلیم در برابر حقایقی است که با دانسته‌های غلط پیشین در تضاد است. (عربی، ۱۳۸۷: ۵)

یکی از عوامل این نگرش، ملاک قرار دادن گفته‌های عوام به‌عنوان ملاک و معیار قضاوت درباره آن مذهب است. بدیهی است که در میان پیروان مذاهب اسلامی افرادی هستند که چندان اطلاعی از احکام و عقاید مذهب خود ندارند و به اقتضای این جهل و نادانی، رسم و رسومات و خرافاتی را نیز به مذهب خود متصف کرده و آن را جزئی از دین و مذهب خود می‌دانند. (خوجملی، ۱۳۸۷: ۵)

۲. وابستگی علمای اهل سنت به حکومت

از نظر فقهای اهل سنت و جماعت شرط مسلمان‌بودن و قاهر‌بودن برای حاکم اسلامی

کفایت می‌کند؛ از این‌رو، اطاعت از وی بر همه مسلمانان واجب است. از طرف دیگر، از آنجا که علمای اهل سنت به‌طور عموم از نظر اقتصادی به دولت وابسته هستند و ائمه جمعه و جماعات، توسط دولت منصوب می‌شوند، طبیعتاً وابستگی تام و تمامی به حکام وقت دارند. بدیهی است که این نظریه فقهی و این وابستگی مانعی برای روحانیت اهل سنت خواهد بود و به‌سادگی قادر به جدا شدن از ساختار نظام سیاسی نبوده و نمی‌توانند با حفظ جایگاه و موقعیت خود برضد حکام وقت قیام کنند. به همین علت، نهضت‌های اسلامی در جوامع اهل سنت عموماً در فکر براندازی حکومت‌های جور نیستند، بلکه به شیوه اصلاحی با آنها برخورد می‌کنند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۵۲۴)

۳. فعالیت اسلامی در اوقات فراغت

بسیاری از دست‌اندرکاران حرکت بیداری اسلامی تنها اوقات فراغت و بیکاری خود را به فعالیت‌های اسلامی اختصاص می‌دهند و وقت اصلی آنها بیشتر به کارهای شخصی و حتی همکاری با نهادهای سنتی صرف می‌شود که خود، آنها را قبول ندارند. در این صورت، حرکت اسلامی به تعبیر اندیشمند فقید «کلیم صدیقی» به حرکتی حاشیه‌ای تبدیل می‌شود، حال آنکه موضوع ایجاب می‌کند تا خیزش اسلامی مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش کار و فعالیت آنها را تشکیل دهد. (تسخیری، ۱۳۸۴: ۳۶۵)

نتیجه

خیزش‌های اخیر امت اسلامی در کشورهای عربی - اسلامی و ضرورت آسیب‌شناسی مستمر این حرکت‌ها به‌منظور هدایت و استمرار آن در مسیر صحیح و جلوگیری از انحراف آن توسط دشمنان و عوامل دست‌نشانده آنها انکارناشدنی است. مسائلی از قبیل عدم توکل و اعتماد به وعده‌های الهی، ترویج قوم‌مداری، غرور و خودخواهی، عدم بصیرت، ارتجالی بودن و بی‌برنامگی، ضعف روحیه اقدام، ضعف رسانه‌ای، کاهش میانگین مطالعه، ضعف نخبگان فرهنگی، فرقه‌گرایی، تأکید بر اجرای شریعت در بخشی از زندگی، دوری از اخلاق اسلامی و ناآگاهی از عقاید دیگر مذاهب، از جمله چالش‌های فرهنگی - مذهبی مشترک گفتمان بیداری اسلامی است.

نتیجه بررسی این چالش‌ها این است که نوعی ضعف فرهنگی به واسطه غلبه نگاه‌های سطحی به مذهب در جریان‌های بیداری اسلامی وجود دارد. نتیجه دیگر اینکه ایفای نقش فعال‌تر نخبگان فرهنگی - مذهبی این کشورها در برطرف‌سازی این چالش‌ها ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا آنها هم بر حاکمان و هم بر مردم و هم بر جریان‌های اسلام‌گرا اثرگذارند و می‌توانند با تأثیر خود، هم موانع را برطرف و هم حرکت بیداری اسلامی را در جهت صحیح، هدایت و کنترل کنند.

در پایان، تلاش برای بالابردن سطح شناخت توده جامعه، کوشش برای تحول در فقه اسلامی، کنترل و مدیریت تعصب‌ها، آسیب‌شناسی درونی مستمر حرکت بیداری اسلامی، تداوم ایستادگی و پرهیز از سست‌شدن عزم راسخ و مراقبت دائمی در برابر کید دشمنان، تلاش برای ممانعت از بروز اختلافات مذهبی، قومی و قبیله‌ای و همچنین استفاده مناسب از همه ظرفیت‌های ناشی از فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی برای آگاهی‌بخشی صحیح، به نخبگان فرهنگی جهان اسلام توصیه می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. القحطان، عدنان بن عبدالله، ۱۳۸۴، «بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن»، در *بیداری اسلامی چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، ج ۱، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب.
۲. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۶، *اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی (علیه السلام)*، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (علیه السلام).
۳. باجو، مصطفی، ۱۳۸۴، «ابزارهای هدایت بیداری اسلامی برای تحقق وحدت اسلامی»، از کتاب *بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، ج ۱، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۴. پژوهنده، محمدحسین، ۱۳۸۶، «آسیب‌شناسی وحدت اسلامی»، *اندیشه حوزه*، سال سیزدهم، شماره ۶۸-۶۷.
۵. ترکمانی، حسینعلی، ۱۳۸۷، «راهکارهای تحکیم، تعمیق و هدایت انسجام و بیداری

اسلامی»، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۶. تسخیری، محمدعلی، ۱۳۸۴، «بررسی برخی از رفتارهای منفی حرکت‌های اسلامی»، از کتاب بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن، ج ۱، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۷. خوجملی، خالد، ۱۳۸۷، «بررسی اجمالی موانع تقریب مذاهب و راهکارهای نیل به آن»، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۸. زارع تیموری، محمد، ۱۳۷۹، «مبارزه با تهاجم فرهنگی و مشکلات اجتماعی فرارسیده از دنیای غرب»، از کتاب جهان اسلام مشکلات و راهکارها، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۹. سلیمانی، محمدهادی، ۱۳۸۵، «امت اسلامی و نخبگانیش»، نشریه سوره، دوره جدید، شماره ۲۷.

۱۰. عربی، نسیم، ۱۳۸۷، «راهکارها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی»، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۱۱. مبلغی، احمد، ۱۳۸۷، «فرهنگ تقریبی و تقریب فرهنگی»، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۱۲. محمدسلیمان، سیدهاشم، ۱۳۸۴، «توسعه فرهنگی در جوامع اسلامی»، از کتاب بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن، ج ۲، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۱۳. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۱۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۹، بهار ۹۱، ش ۲۸

۱۴. نوری، محمد، ۱۳۷۶، «مأخذشناسی گزیده احیای اسلام»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و ایجاد تفکر دینی.

۱۵. هادوی، مهدی، ۱۳۸۵، «نبض تفکر و فرهنگ را به دست می‌گیرم»، نشریه سوره، دوره جدید، شماره ۲۷.

Archive of SID